

مسئله اقتصاد

ضدرشد است!



عاطفه خسروی

مدیر مسئول

اگر قرار باشد یک پرسش ساده اما تعیین کننده درباره صنعت ایران مطرح کنیم، شاید این باشد: چرا تعداد زیادی بنگاه کوچک داریم، اما تعداد بنگاههایی که از مقیاس کوچک عبور می کنند، کم است؟

پاسخ این پرسش را نباید صرفاً در ضعف مدیریت بنگاه‌ها یا کمبود سرمایه جست‌وجو کرد. مسئله عمیق تر از اینهاست. بنگاه کوچک ایرانی در اقتصادی فعالیت می کند که در آن رشد، هزینه‌بر، پریسبک و در مواردی حتی تنبیه کننده است. بنگاه برای بزرگ‌شدن باید سرمایه‌گذاری کند، نیروی انسانی بیشتری به کار گیرد، تولید را افزایش دهد و وارد بازارهای جدید شود؛ اما هر مرحله از این مسیر، او را با مجموعه‌ای تازه از هزینه‌ها، مقررات، مالیات، بیمه، تأمین مالی و ناطمینانی مواجه می کند. به همین دلیل، مسئله صنایع کوچک در ایران را باید از زاویه‌ای متفاوت دید و اینکه: «به نظر می رسد مشکل فقط کوچک‌بودن بنگاه نیست؛ مشکل، دشواری عبور از کوچک‌بودن است.»

در اقتصادهای توسعه‌یافته، بنگاه کوچک بخشی طبیعی از ساختار تولید است. تقریباً ۹۹ درصد بنگاه‌های اقتصاد کسب‌و کار اتحادیه اروپا را شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل می دهند. بنابراین، کوچک‌بودن نه نشانه عقب‌ماندگی است و نه الزاماً یک مشکل. مسئله این است که بنگاه بتواند بر اساس بهره‌وری، نوآوری و مزیت رقابتی رشد کند. اتحادیه اروپا نیز در سیاست‌های جدید خود تلاش کرده هزینه‌های مقرراتی ناشی از عبور بنگاه‌ها از یک اندازه به اندازه بالاتر را کاهش دهد؛ زیرا این «لبه مقرراتی» می تواند انگیزه رشد شرکت‌ها را تضعیف کند. اینجااست که تفاوت میان ایران و اقتصادهای موفق تر آشکار می شود.

در ایران، بنگاه کوچک اغلب به جای آنکه در مسیر رشد قرار داشته باشد، در مسیر بقا حرکت می کند. نوسان نرخ ارز، تغییرات قیمت مواد اولیه، دشواری واردات ماشین آلات، محدودیت‌های تجارت خارجی، مشکلات تأمین سرمایه در گردش و تغییرات مکرر مقررات، افق تصمیم‌گیری بنگاه را کوتاه می کند. همچنین تجربه به سال‌های گذشته نشان داده که تزریق پول، بدون اصلاح محیط کسب‌و کار، درمان کاملی نیست.

در اقتصادهای پیشرفته، بانک تنها یکی از منابع مالی است. لیزینگ، فکتورینگ، اعتبار تجاری، صندوق‌های ضمانت، سرمایه‌گذاری خصوصی و سایر ابزارها در کنار شبکه بانکی قرار گرفته‌اند. OECD نیز در گزارش‌های اخیر خود بر اهمیت تنوع ابزارهای تأمین مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط تأکید کرده است. در ایران، اما هنوز تسهیلات بانکی سهم بزرگی از سیاست حمایتی را به خود اختصاص می‌دهد. نتیجه این رویکرد آن است که گاهی به جای تأمین مالی «رشد»، صرفاً «زنده نگه‌داشتن» بنگاه اتفاق می افتد.

از نسوی دیگر بسیاری از فعالان این حوزه و کارشناسان حلقه مفقوده را «زنجیره ارزش» می‌دانند. چنانچه در بسیاری از اقتصادهای صنعتی، شرکت بزرگ و شرکت کوچک مکمل یکدیگرند. این شبکه باعث می‌شود رشد شرکت کوچک فقط به توان فروش مستقیم آن وابسته نباشد.

اما در ایران، بخش قابل توجهی از صنایع کوچک به شکل جزیره‌ای فعالیت می کنند. بنگاه کوچک نه الزاماً بخشی از زنجیره تأمین یک شرکت بزرگ است و نه دسترسی پایدار به بازارهای صادراتی دارد. ارتباط آن با دانشگاه و مراکز فناوری نیز در بسیاری از موارد محدود است. در نتیجه، سیاست حمایتی سال از یک سو تسهیلات توزیع می کند و از سوی دیگر همان بنگاه با همان مشکلات سال قبل مواجه می‌شود و این چرخه میباید باز روی متوقف شود.

■ **حمایت؛ بله، اما برای چه؟**

نکته دیگر سازکارهای حمایت از این صنایع است. اینکه صنایع کوچک به حمایت نیاز دارند موضوعی قابل تأمین و درست است اما حمایت نباید به معنای وابستگی باشد. بسیاری تأکید دارند دولت باید هزینه‌های اولیه ورود به بازار، توسعه فناوری، استانداردسازی، صادرات و تأمین مالی را کاهش دهد، اما همزمان از بنگاه انتظار عملکرد داشته باشد. در اصل حمایت باید مشروط به افزایش بهره‌وری، رشد صادرات، توسعه فناوری، ایجاد اشتغال پایدار یا ورود به زنجیره‌های تولید باشد. در غیر این صورت، سیاست صنعتی به جای ساختن بنگاه رقابت‌پذیر، به بازتولید بنگاه وابسته منجر خواهد شد.

بنابراین در گام نخست باید معیار موفقیت سیاست صنعتی تغییر کند. اینکه در یک سال چند واحد صنعتی تأسیس شده‌اند، شاخص کاملی برای ارزیابی عملکرد نیست. نکته مهم‌تر این است که چند واحد توانسته‌اند پس از پنج سال باقی بمانند، بهره‌وری خود را افزایش دهند، نیروی انسانی بیشتری استخدام کنند، محصول جدید تولید کنند و وارد بازارهای صادراتی شوند. با این نگاه باید گفت: درست است که اقتصاد ایران به هزاران بنگاه کوچک نیاز دارد؛ اما نه هزاران بنگاهی که دائماً در آستانه تعطیلی‌اند و هر سال برای بقا به حمایت جدید احتیاج دارند. در اصل ایران به بنگاه‌های کوچک قابل رشد نیاز دارد. این تغییر نگاه، می‌تواند نقطه آغاز سیاست صنعتی جدید باشد. اگر هدف، صحتی‌شدن واقعی باشد، ایجاد و توسعه صنایع بزرگ به‌تنهایی کافی نیست و صنعت قدرتمند از شبکه‌ای از بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ ساخته می‌شود؛ شبکه‌ای که در آن شرکت کوچک می‌تواند رشد کند، شرکت متوسط می‌تواند صادر کننده شود و شرکت بزرگ می‌تواند موتور توسعه زنجیره تأمین باشد. بنابراین، مسئله صنایع کوچک ایران را نباید در حاشیه سیاست صنعتی جست‌وجو کرد؛ این مسئله در قلب آن قرار دارد. کشوری که بنگاه کوچک آن امکان بزرگ‌شدن ندارد، در واقع با مشکل بزرگ‌تری از صنایع کوچک مواجه است؛ «مشکل یک اقتصاد ضدرشد.» اصلاح این وضعیت نیز از ارابه تسهیلات بیشتر آغاز نمی‌شود؛ از ثبات مقررات، دسترسی به بازار، تأمین مالی متنوع، فناوری، بهره‌وری و اتصال به زنجیره ارزش آغاز می‌شود. در نهایت، پرسش درست این نیست که «چگونه صنایع کوچک را حفظ کنیم؟» شاید پرسش درست این باشد که «چگونه شرایطی ایجاد کنیم که بهترین صنایع کوچک، دیگر کوچک نمانند؟»

اقتصاد توسعه

editor@smtnews.ir

تقلا برای بقا

از آنها باید ضمن اعمال سیاست‌های حمایتی هدفمند و پایدار، ارائه آموزش‌های تخصصی و مهارتی به کارآفرینان، تقویت خوشه‌های صنعتی و شبکه‌های تعاونی، تسهیل صادرات و ایجاد نشان ملی برای محصولات صنایع کوچک برنامه ریزی شود.

با توجه به موارد یاد شده روز ملی صنایع کوچک، تنها یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه یادآور این واقعیت است که این واحدها، همانند موتورهای کوچک، اما پرتوان، می‌توانند مسیر اقتصاد ملی را به سمت پویایی و رشد هدایت کنند. در همین حال حمایت هدفمند و سیاست‌های توسعه‌ای می‌تواند این صنایع را به پیشران‌های اصلی اقتصاد کشور تبدیل کند.

این پرونده **سنت** به مناسبت روز ملی صنایع کوچک منتشر شده است.

مشکلات متعددی از جمله دشواری دسترسی به منابع مالی و تسهیلات بانکی، فرسودگی ماشین‌آلات و فناوری‌های تولید، محدودیت در بازاریابی و حضور در بازارهای بین‌المللی همچنین نوسان در تأمین مواد اولیه و وابستگی به واردات برخی اقلام مواجه هستند.

تغییر کاربری اراضی صنعتی یکی دیگر از چالش‌های مهم در این زمینه است که سال‌هاست قرار است با نظر وزیر صمت و استاندار تهران، موضوع در کمیسیون زیربنایی دولت مطرح و با بررسی و تحلیل دقیق، فرمول مناسبی برای تغییر کاربری تدوین شود. در صورت موفقیت این طرح، استان تهران به‌عنوان پایلوت انتخاب شده و الگو به سایر استان‌ها نیز تعمیم خواهد یافت.

کارشناسان این بخش معتقدند برای شکوفایی صنایع کوچک و حمایت

در تقویم صنعتی ایران، روز ملی صنایع کوچک یادآور جایگاه مهم این بنگاه‌های اقتصادی در رشد تولید، اشتغال‌زایی و توسعه منطقه‌ای است. صنایع کوچک که اغلب با سرمایه‌گذاری اندک و نیروی کار محدود فعالیت می‌کنند، در عین حال، انتطاف‌پذیری بالایی در مواجهه با تغییرات بازار دارند. بر اساس آمار وزارت صنت، معدن و تجارت، بیش از ۹۰ درصد واحدهای صنعتی کشور را صنایع کوچک تشکیل می‌دهند و این واحدها حدود ۴۵ درصد اشتغال صنعتی ایران را بر عهده دارند. این بنگاه‌ها علاوه بر تولید محصولات متنوع، سهم مهمی در زنجیره تأمین صنایع بزرگ دارند و با فعالیت در مناطق محروم، باعث کاهش نابرابری‌های اقتصادی می‌شوند.

این در حالی است که با وجود ظرفیت‌های بالا، صنایع کوچک با

صنایع کوچک، صنایعی است که اگرچه در دنیا بخش قابل توجهی از GDP و صادرات را در اختیار دارند، اما در ایران چندان مورد التفات قرار نگرفته و با توجه به چالش‌هایی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، تنها حدود ۱۰درصد از صادرات را به خود اختصاص داده‌اند. صمت به مناسبت روز حمایت از صنایع کوچک طرحی از صورت‌وضعیت این صنایع در ایران را بررسی کرده است.

در میان سیاستگذاران سیاست‌های صنعتی در کشورهای مختلف، از دیرباز یک‌اختلاف وجود داشته که industry policy در این کشورها مبتنی بر حمایت از صنایع سنگین (مادر) باشد یا بر صنایع کوچک تکیه کنند. با این حال التفات به این نکته لازم است که صنایع بزرگ به‌عنوان زیربنای اصلی و پیش‌نیاز ویژه برای توسعه صنایع کوچک، سهم بزرگ‌تری از توجه دولت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع در بسیاری از کشورها صنایع فولاد، ماشین‌سازی، پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های الفینی و آروماتیک، به‌عنوان تاسیسات عمده صنعتی، به تهیه و تولید مواد اولیه موردنیاز برای مصرف صنایع کوچک، می‌پردازند. با این حال صنایع کوچک به‌عنوان بخش بی‌التفات حوزه صنعت برای سیاستگذاران، هنوز به سوژه بایسته و تثبیت‌شده در صدر سیاستگذاری‌های صنعتی کشور بدل نشده‌اند.

در ایران، در میانه دهه ۴۰ که دیگر ذوب‌آهن، ماشین‌سازی و چند مجتمع نیروگاهی و پالایشگاهی به شکل تثبیت‌یافته استقرار یافتند و با ظرفیت نسبتاً زیادی (با توجه به حجم بسیار ناچیز نیاز وقت ایران به مواد اولیه صنعتی در آن زمان) به تولید مقاطع فولادی و محصولات بالادستی پلیمری می‌پرداختند، سیاستگذاران صنعتی ایران کوشیدند تا سیاست جدیدی را برای توسعه صنایع پایین‌دستی و کوچک تدوین کنند تا ایران از کشور تولیدکننده کامودیتی‌های نیمه‌صنعتی، به تولید کالاهای صنعتی بادم و مصرفی روی بیاورد. در نتیجه اتخاذ این سیاست، سازمان نواحی صنعتی ایران در مرداد ۱۳۳۳ ایجاد شد. در اساننامه این سازمان مقرر شده بود که دولت به ایجاد نواحی، خوشه‌ها و قطب‌های صنعتی در مناطق مکلف شود و با تخصیص زمین استیجاری (۹۰ساله و به شرط تملیک) و آب و برق ارزان‌قیمت،

بربادرفته‌ها

تمامی کارخانه‌هایی همچون ارج، کفش ملی، بلا، پارس الکتریک، مینو، کاغذ پارس، قو و ایران کاوه در ابتدا صنایع کوچکی بودند که حسب سیاست‌های کارآ و اثربخش آن دوران، توانستند به صنایع رشد‌یافته و بالنده بدل شوند. با این حال، نخست سیاست مصادره

و دولتی‌سازی این صنایع و سپس از یک‌دهه، واگذاری آنها به نهادهای خصوصی یا افراد فاقد صلاحیت‌های مدیریتی، در کنار سیاست‌های سوبسیدی، تعرفه‌ای و مالیاتی مخرب، امکان تنفس و شکل‌گیری اکوسیستم صنایع کوچک در کشور، با بن‌بست مطلق روبه‌رو شد. البته سیاست احداث شهرک‌های صنعتی در تمامی دولت‌هایی که پس از جنگ تحمیلی بر سر کار آمدند، تداوم یافت و با این حال، همچنان مداخلات دولت در حوزه قیمت‌گذاری محصولات، قوانین ناکارآمد کار و حداقل دستمزد، مالیات‌های مرکب و نرخ بهره دستوری، در کنار پرداخت رانت سوبسیدی به برخی از شرکت‌های خاص باعث شد که امکان رشد این صنایع در ایران با چالش مواجه باشد. بسیاری از واحدهای صنعتی کارگاهی و کارخانه‌ای کوچک ایران در این سال‌ها، با حداقل ظرفیت مشغول به کار بودند و بخش عمده‌ای از این صنایع نیز رو به تعطیلی نهادند تا جایی که در دهه ۹۰خورشیدی، نرخ تشکیل سرمایه ثابت فیزیکی در دو حوزه ماشین‌آلات (با رشد منفی ۴۱درصد) و ساختمان

نسخه شگفت‌انگیز چینی و بربرهای آسیا

کشورهای چین، تایوان، مالزی، بنگلادش، اندونزی، تایلند، ترکیه، برزیل و شیلی توانستند با اتخاذ سیاست تقدم صادرات، حمایت از صنایع کوچک را در دستور کار خود قرار دهند و به حجم بسیار بالای صادرات دست یابند. در چین بیش ۴۵میلیون بنگاه به‌تربط با صنایع کوچک و ۷میلیون بنگاه صنایع متوسط استقرار دارد و بیش از ۹۰درصد از حجم اشتغال این کشور، نیمی از تولید ناخالص داخلی، ۶۰درصد از حجم تولیدات صنعتی این کشور و همچنین ۱۰درصد از کل نوآوری‌های صنعتی این کشور را دربر می‌گیرد. درحال‌حاضر بیش از ۱۰۰خوشه صنعتی در چین ایجاد شده و در هر یک از آنها ده‌ها شهر و شهرک صنعتی تخصصی برای صنایع کوچک به‌وجود آمده است که تمامی این صنایع کوچک به‌عنوان زنجیره مکمل پایین‌دستی هم‌دیگر فعالیت می‌کنند. به‌عنوان مثال، در ناحیه فوجیان چین، تمام صنایع استقرار یافته، در حوزه تولید البسه ورزشی برای ورزش‌های مختلف فعالیت می‌کنند و در شهر صنعتی فوژو، صنایع غذایی میان‌وعده کوچک‌مقیاس استقرار یافته‌اند یا شهر صنعتی ژامین، محل استقرار صنایع کوچک میکروالکترونیک این کشور است. چنین توانسته است با حمایت از صنایع کوچک خود، بخش بسیار بزرگی از صنایع بزرگ کشورهای صنعتی جهان را منکوب و ورشکسته کند و بازارهای بسیار زیادی را به تسخیر خود درآورده است.

در کشورهای تایلند و اندونزی و مالزی، صنایع میکروالکترونیک، اسباب‌بازی و زنجیره صنایع کوچک تولیدکننده مواد غذایی، تحت حمایت صندوق‌های ضمانت از صادرات دولت قرار دارند و در نتیجه از مجموع ۱۲۰میلیارد دلار صادرات کالاهای‌های یک مالزی، ۵۶درصد از کل حجم صادرات، از تولیدات متعلق به بنگاه‌ها و صنایع کوچک مقیاس تشکیل می‌شود.

در اندونزی که مانند ایران، نخست اولویت را به توسعه صنایع سنگین داده و حتی ریسک ساخت هواپیمای را نیز در دستور کار قرار دادند، پس از دوده‌آزمون و خطا، رو به حمایت از صنایع کوچک آورده و باعث جهش ناگهانی صادرات این کشور شدند. ویتنام و بنگلادش نیز با حمایت از صنایع کوچک، توانستند مقادیر حجم و چند ده میلیارد دلاری از کالاهای تولیدشده این صنایع کوچک را به بازارهای جهانی روانه کنند. به نظر می‌رسد که در ایران نیز با توجه به تنش ابی شدید و همچنین ناترازی مزمن در تأمین برق و گاز، سیاست صنعتی کشور به سوی حمایت از صنایع کوچک پارادایم شیف‌ت کند.

تاریخ تولد کوچک‌های دوست‌داشتنی

زمینه سرمایه‌گذاری صنعتی در این مناطق را فراهم کند. در سال ۱۳۴۷ خورشیدی، سازمان نواحی صنعتی ایران و کمیته صنایع کوچک سازمان مدیریت صنعتی کشور با هم ادغام شدند و در نهایت سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران ایجاد شد که به‌عنوان متولی سیاستگذاری و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های طراحی‌شده در این سازمان، استقرار یافت. پس از آن چهار شهرک صنعتی البرز (۱۳۴۷)، باختران (۱۳۵۰)، گاهو (۱۳۵۲) و رشت (۱۳۵۳)، به عنوان نخستین مراکز استقرار صنایع کوچک ایران پدیدار و خاستگاه ایجاد صنایع کوچک الکتریکی، غذایی، منسوجات، شیمیایی، لوازم‌خانگی، ساختمانی، کانی‌های فلزی و غیرفلزی، سلولوزی و... در ایران شدند. نخستین بار بود که ایران به کلوب کشورهای تولیدکننده کالاهای مصرفی فاسدشدنی و بادوام پیوست و چشم‌انداز

یکی از مشکلات اساسی این شرکت‌ها در سال‌های اخیر، ناترازی انرژی بوده که طی پنج‌سال متعادی باعث کاهش حاشیه سود این شرکت‌ها و تحمیل ضرر و زیان انباشته سنگینی به آنها شده است. در شرایطی که حتی صنایع سنگین کشور با مسئله کمبود برق دست و پنجه نرم می‌کنند و ساعات بسیاری را با قطعی برق مواجه هستند، صنایع کوچک با ساعات بیشتری از قطعی برق روبه‌رو هستند. ناترازی ۲۰هزار مگاواتی برق و ترجیح اولویتی دولت در قبال تأمین برق بخش‌های اداری و خانگی، باعث شده است تا صنایع کوچک در کشور با تنگنای تنفسی چشمگیری روبه‌رو شوند. تأمین برق تجدیدپذیر با نصب ترانزورهای دیزلی هم در شرایطی که این بنگاه‌های کوچک با کمبود نقدینگی در گردش روبه‌رو هستند، به هیچ روی میسر نیست و این صنایع را با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو کرده که امکان عبور همزمان از آنها را ندارند. یکی دیگر از چالش‌های این صنایع، این است که امکان تأمین مالی و فایننسینگ از شبکه بانکی را ندارند. به عبارتی، وجود تمایز میان صنایع بزرگ و کوچک از منظر بانک‌ها، باعث شده است تا بانک‌ها شرایطی را که برای تأمین مالی و تزریق نقدینگی به صنایع سنگین قائل هستند، برای صنایع کوچک قائل نباشند و این امکان برای شرکت‌های کوچک، با امتناع روبه‌رو بوده است.

همچنین به علت سختگیری‌های مقرراتی سازمان بورس و اوراق بهادار، این شرکت‌ها از امکان حضور در تالارهای اصلی

مصائب بی‌پایان

و فرعی بورس برای فروش کالاهای خود و همچنین جذب امکانات مالی برخورداری نیستند، امکان انتشار اوراق مشارکت خصوصی (Corporate bond) را نیز ندارند. به عبارت دیگر به علت وجود قوانین و مقررات پر شمار و دست‌وپاگیر فعلی، راه بر هر گونه امکان تأمین مالی این بنگاه‌ها مسدود شده است و شیر فلکه پرداخت تسهیلات نیز به شکل یک‌طرفه و با نرخ‌های بهره دستوری تعیین‌شده توسط دولت، به بنگاه‌های خصوصی وابسته به نهادهای خاص تخصیص می‌یابد. مستهلک شدن خطوط تولید و ماشین‌آلات و ابنیه این شرکت‌ها و به‌روز نبودن تکنولوژی تولید در صنایع یادشده، باعث می‌شود که این بنگاه‌ها از امکان رقابت با رقبای بروزشده و مسلح به فناوری‌های جدید، برخوردار نباشند و هزینه تولید کالا در این شرکت‌ها بالاتر از هزینه رقبای خارجی‌شان تمام شود و امکان دسترسی به بازارهای بیرون‌مرزی را به طور کامل از دست می‌دهند و افق صادرات نیز به روی این صنایع مسدود می‌شود. چالش تأمین کامودیتی‌های باکیفیت و ارزان‌قیمت و سایر مواد اولیه برای تولید، باعث شده است که این صنایع نتوانند از درجه تولید ارزان‌قیمت نیز به رقابت با رقبای خارجی بپردازند. در واقع فقدان امکاناتی از این دست، در کنار افت کیفیت نیروهای انسانی مشغول به کار، باعث شده است که این صنایع دچار کمای اقتصادی شوند و بدیهی است در چنین شرایطی، این شرکت‌ها با ظرفیتی کمتر از ۱۰درصد از ظرفیت تعبیه شده در خطوط تولید خودشان کار کنند.

سازمان‌ها توجهی به صنایع کوچک ندارند

چون به نوعی اصلا سیستم مالی خاصی ندارند. مثلاً باید در تأمین مواد اولیه، این صنایع بتوانند نیاز خود را با نرخ‌های مصوب و از مراجعی تأمین کنند که فاکتورهای رسمی در اختیارشان قرار دهند.

اما مواد اولیه را نمی‌توان با فاکتورهای رسمی تهیه کرد و تولیدات و مواد اولیه صنایع اکنون در اختیار افرادی است که اصلا حاضر نیستند به صنایع کوچک چیزی بدهند. مشکلات دیگر در زمینه تأمین اجتماعی، انرژی و قطعی‌های پیاپی برق و گاز است که همگی دست به‌دست هم داده و تیشه به ریشه این صنایع می‌زنند. این صنایع تمام ضررهای خود را هم پرداخت می‌کنند اما در انتهای سال مالی، سازمان‌های تأمین اجتماعی و امور مالیاتی توجهی به مشکلات این صنایع نمی‌کنند و تا ریال آخر پول خود را می‌گیرند. در سال‌های اخیر، کرونا به‌شدت کسب‌وکارها را دستخوش تغییرات کرد اما در بخش‌های مالیاتی و تأمین اجتماعی اتفاقی رخ نداد. اگر این صنایع یک‌روز و حتی یک‌ساعت کار نکنند، مجبور هستند از سرمایه خود، ضررها را جبران کنند، نه اینکه از سود به‌دست آورده خود به این کار روی بیاورند. معمولاً این صنایع در شهرک‌های صنعتی جایگاهی ندارند اما اگر داشتند مشکلات شهرک‌ها هم به این صنایع اضافه می‌شد. زهر هوندی در پاسخ به تأثیر این صنایع بر رشد اقتصادی کشور گفت: من آمار دقیقی از تاثیر این صنایع بر اقتصاد کشور ندارم؛ اما با قدرت می‌گویم درصد خیلی بالایی از رشد ارزش افزوده صنعت ما به صنایع کوچک وابسته است و در اشتغال‌زایی هم شاهد این موضوع هستیم. این صنایع با همه مشکلات، خود را به سمت پیشرفت سوق می‌دهند. این صنایع خواهان داشتن سرمایه در گردش هستند. مگر سرمایه در گردش این صنایع چقدر است که فراهم شدن آن امری سخت باشد؟ این صنایع نیازمند کمک هستند تا بتوانند پایه‌های رشد و توسعه اقتصادی کشور باشند. بسیاری از اوقات این صنایع با اینکه مجوز کسب‌و کار و پروانه‌های لازم را دارند، نمی‌توانند اسنادی را که مدنظر بانک هست را تأمین کرده و وامی دریافت کنند. اکنون بازار این صنایع به صورت نقدی فعال است و فعالیت اعتباری را در آنها وجود ندارد.